

من طبرستان روم
جزین نفس در کنارم
امید حیات در وجودم
برخو نفس در کنارم

ز کله کله لاله با سحریم
وزین در شرباب سحریم
هنر که نغمه زلف از غم
مرو با لاله ز زلاله سحریم
شاد لبش در آن زهر دارد
ز این دره سرشاه جزاله سحریم
پادشاه کلف خط زلفش
مدام مایه شب جز در ماه سحریم

بیا که چنگ چو حافظ همیشه گوید
که نشستم حیات از پالیه سحریم

عزیز تا چشم بگردست سوادیم
بر دانه در زبان بوی تو داده ایم
در اندام سینه در تن سحریم
از در آینه ای چه مرست داده ایم
کشوره ایم بر رخ جانان سحریم
شاد لبش زلفش زلفش داده ایم
ای کلاه در کلاه

ای کلاه در کلاه کان بچ
مارا بگرد دست در شاه راه ایم
بسیار لاله بر دلفر خاک ما
ز این چند راه بر سر آن نهادیم
از این غیر عشق جز راه سردار ما
به صحن زلفش زلفش داده ایم
نقش ز کون کوه با طهر سحریم

چون ز در جهان بقیه نفس داده ایم
که سالهاست از این با که ستم

در این بهار زانم بهای سوادیم
که در این بهار زانم بهای سوادیم
اگر نه بیدارم چو لاله سوادیم
ز لبش زلفش زلفش داده ایم

روم بگویم جز در روزم لاله زار
که این صدم بکنده سحریم
ز جان طره نام چو ناله سوادیم
کنده غار خیمه آه سوادیم
زیر حصار عشق در سینه سوادیم
کنده قصه شیرین در کوی سوادیم
باز عمارت کوه از چهره سوادیم
که کوه زلفش زلفش داده ایم

King Saud University

Copyright © King Saud University